

کتاب دانیال - شماره شصت و هفت

بینش‌های پیش‌گویانه: اسلام، ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و روز باد شرقی

Jeff Pippenger

2024-01-31

اسلام وای سوم در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ وارد صحنه تاریخ نبوت شد و بلافاصله مهار شد. در آن زمان باران پسین شروع به باریدن کرد، اما «به اندازه» بود.

به اندازه، چون بروید، با آن محاجه خواهی کرد؛ او باد سخت خود را در روز باد شرقی بازمی‌دارد. پس بدین‌سان گناه یعقوب پاک خواهد شد؛ و تمام ثمره آن برداشته شدن گناه اوست: آنگاه که همه سنگ‌های مذبح را چون سنگ‌های آهکی خردشده سازد، درختستان‌ها و بت‌ها دیگر برپا نخواهند ماند. اما شهر مستحکم ویران خواهد شد، و مسکن متروک، و چون بیابان‌ها خواهد گشت؛ آنجا گوساله چرا خواهد کرد و همان‌جا خواهد آرمید و شاخه‌های آن را خواهد خورد. چون شاخه‌های آن پژمرده شوند، شکسته خواهند شد؛ زنان می‌آیند و آنها را به آتش می‌افکنند؛ زیرا قومی بی‌فهم‌اند؛ از این‌رو آن که ایشان را ساخت بر آنان رحم نخواهد کرد، و آن که ایشان را شکل داد بر ایشان لطفی نشان نخواهد داد. و در آن روز چنین خواهد شد که خداوند از مجرای رود تا نهر مصر خواهد کوبید، و شما، ای بنی‌اسرائیل، یک به یک گردآوری خواهید شد. و در آن روز چنین خواهد شد که شیپور بزرگ نواخته خواهد شد، و آنان که در سرزمین آشور در آستانه هلاکت بودند، و رانده‌شدگان در سرزمین مصر خواهند آمد، و خداوند را بر کوه مقدس در اورشلیم پرستش خواهند کرد. اشعیا ۶: ۲۷-۱۳.

«روز باد شرقی» فرا رسیدن باران پسین را نشان می‌دهد و همچنین بر اسلام وای سوم دلالت می‌کند. همچنین آغاز دوره‌ای از تاریخ را مشخص می‌کند که در آن «گناه یعقوب زدوده می‌شود». روز باد شرقی در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فرا رسید و در همان زمان داوری زندگان آغاز شد. داوری زندگان کار پایانی فرشته سوم است و همان‌جا بود که زدودن گناهان یکصد و چهل و چهار هزار تن آغاز شد. این همان چیزی است که اشعیا وقتی نوشت: «بدین» منظور داشت.

کلماتی که پیش از «به این» آمده‌اند این‌هاست: «به اندازه، وقتی که سر برمی‌آورد، با آن محاجه خواهی کرد؛ او باد سخت خود را در روز باد شرقی بازمی‌دارد.» «به این» حقایق آزمایشی مشخصی را معین می‌کند که گناه را از کسانی که به‌عنوان «یعقوب» نمایانده شده‌اند پاک می‌کند. آن حقایق شامل واقعه (۱۱ سپتامبر) است که نشانه فرارسیدن باران پسین است. آن حقایق همچنین تعریف باران پسین به‌عنوان «یک پیام» را دربر می‌گیرد، و آن «پیام» اسلام است. همچنین این حقیقت را شامل می‌شود که «باد شرقی» اسلام وای سوم است، و ویژگی نبوی مهار متعاقب اسلام (stayeth) را نیز شامل می‌شود.

خود آزمون با «مناظره» نمایان می‌شود که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد. ارمیا، هنگامی که نماینده نخستین ناامیدی بود، نصیحت شد که به سوی خدا «بازگردد» و گران‌بها را از پست جدا کند. «میوه» پیام آزمایشی دو دسته پرستنده را پدید می‌آورد.

حکم درباره نادانان چنین تصویر می‌شود: «وقتی او همه سنگ‌های قربانگاه را چون سنگ‌های گچی درهم‌کوبیده می‌گرداند، درختستان‌ها و بت‌ها برپا نخواهند ماند.» اشعیا در فصل‌های بیست و هشت و بیست‌ونهم به این اعلان درباره کسانی اشاره می‌کند که همه چیز را وارونه می‌کنند. آنان همان کسانی‌اند که کتاب مهرشده را نمی‌توانند بفهمند. کار (ثمر) شیران باید همچون گل کوزه‌گر شمرده

شود.

پس اینک من در میان این قوم کاری شگفت به جا خواهم آورد، کاری شگرف و شگفت‌انگیز؛ زیرا حکمت حکیمان نشان نابود خواهد شد و فهم خردمندان نشان پنهان خواهد گشت. وای بر آنان که سخت می‌کوشند رای خود را از خداوند پنهان دارند و کارهایشان در تاریکی است و می‌گویند: چه کسی ما را می‌بیند؟ و چه کسی ما را می‌شناسد؟ به راستی وارونه‌سازی شما همچون گل کوزه‌گر شمرده خواهد شد: آیا ساخته به سازنده خود می‌گوید: مرا او نساخته است؟ یا آنچه شکل یافته است به آن که آن را شکل داد می‌گوید: او فهمی نداشت؟ اشعیا ۱۴: ۲۹-۱۶.

کار شیرین همچون گل سفالگر خواهد بود، و در باب بیست و هفت نیز کارشان به گونه‌ای مشابه تصویر می‌شود: مانند سنگ‌های گچی که کوبیده و از هم پاشیده می‌گردند. گچ یا گل سفالگری به آسانی با کوبیدن به پودر تبدیل می‌شود، و نماد کاری که «تمام سنگ‌های مذبح را چون سنگ‌های گچی که خرد می‌شوند» می‌سازد و همچنین شامل ویران کردن «درختستان‌ها و تماثیل» است تا «برپا نمانند»، همان کاری است که اصلاحات پادشاه یوشیا نمایانگر آن است. در بیداری و اصلاح نهایی، که اصلاحات یوشیا نماد آن است، ساختار سازمانی ادونتییست متروک خواهد شد، زیرا «شهر مستحکم ویران خواهد شد، و مسکن متروک گشته، مانند بیابان رها خواهد گردید.» تمامی کارهای ایشان، یعنی هزاران کلیسا، مدرسه، کالج، دانشگاه، بیمارستان و ساختمان اداری در سراسر جهان، بر حسب پیشگویی به پودر بی‌ارزش کوبیده خواهد شد.

جمعیت نیز متروک خواهد شد، زیرا آن «مردم بی‌فهم» چون «شاخه‌های» «خشکیده» خواهند بود که «بریده خواهند شد» و به آتش افکنده خواهند شد، زیرا «آن که ایشان را ساخت بر ایشان رحم نخواهد کرد، و آن که ایشان را صورت داد بدیشان لطفی نخواهد نمود».

هنگامی که جداسازی‌ای که به وسیله پیام آزمایشی به انجام می‌رسد کامل شود، ندای دوم باب هجدهم کتاب مکاشفه، گوسفندان دیگر خدا را از بابل فرامی‌خواند، زیرا در آن روز «چنین خواهد شد که گرنای بزرگ نواخته خواهد شد، و آنان که در سرزمین آشور در آستانه هلاکت بودند، و رانده‌شدگان در سرزمین مصر، خواهند آمد و در کوه مقدس در اورشلیم، خداوند را پرستش خواهند کرد.»

بخشی که در حال بررسی آن هستیم (اشعیا باب ۲۷، آیات ۸ تا ۱۳)، تاریخ پیشگویی شده‌ای را که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد مشخص می‌کند و آزمون و پالایش کسانی را که سرانجام گله دیگر خدا را از بابل بیرون می‌خوانند به تصویر می‌کشد. آیات آغازین همین باب، سرودی را معرفی می‌کنند که قرار است در همان دوره تاریخی خوانده شود.

در آن روز برای او بسرایید: «تاکستان شراب سرخ.» من، یهوه، نگهبانی‌اش می‌کنم؛ هر لحظه آن را آبیاری خواهم کرد؛ تا کسی به آن آسیبی نرساند، شب و روز از آن نگهبانی خواهم کرد. خشم در من نیست؛ کیست که در نبرد خارها و تیغ‌ها را بر ضد من برپا کند؟ از میانشان خواهم گذشت؛ همه‌شان را یکجا خواهم سوزاند. یا بگذار به قوت من چنگ زند تا با من صلح کند؛ و او با من صلح خواهد کرد. او سبب خواهد شد که آنان که از یعقوب برمی‌آیند ریشه بدوانند؛ اسرائیل شکوفه خواهد داد و غنچه خواهد زد و روی جهان را از میوه پر خواهد کرد. آیا او را چنان زده است که زندگانش را زد؟ یا آیا او به سان کشتار آنان که به دست او کشته شدند، کشته شده است؟ اشعیا ۲: ۷-۲۷.

سرود تاکستان سرودی است که نخست قوم خدا را چون تاکستانی معرفی می‌کند که او دوستش داشته و از آن مراقبت کرده است. سپس وعده پذیرفته شدن را برای هر که بخواهد به پارسایی مسیح تمسک جوید مطرح می‌کند. آنگاه وعده فروباریدن روح القدس را بیان می‌کند که با دو مرحله باران نمایانده می‌شود. مرحله نخست باران شکوفه‌ها و غنچه‌ها را زنده می‌کند و مرحله دوم زمین را از

میوه سرشار می‌سازد.

سرود تاکستان سرودی است که دوره زمانی‌ای را مشخص می‌کند که در آن خدا از کنار قوم برگزیده پیشین می‌گذرد و هم‌زمان با قوم برگزیده جدیدی عهد می‌بندد. آیه هشتم و آیات پس از آن صرفاً تکرار و بسط آیات آغازین باب‌اند. آیه نخست باب همان واقعه‌ای را مشخص می‌کند که در آیه هشتم «روز باد شرقی» نامیده شده است.

در آن روز خداوند با شمشیر سخت و عظیم و نیرومند خویش، لویاتان، آن مار فرار را مجازات خواهد کرد، یعنی لویاتان، آن مار پیچ‌خورنده را؛ و اژدهایی را که در دریاست خواهد کشت. اشعیا ۲۷:۱

اژدها همان شیطان است، اما در معنای ثانوی، روم بت‌پرست بود.

«از این رو، هرچند اژدها در وهله نخست نمایانگر شیطان است، در معنای ثانوی نماد روم بت‌پرست است.» مناقشه عظیم، ۴۳۹.

ده پادشاه روم بت‌پرست، در فصل هفتم دانیال و در فصل دوازدهم مکاشفه، نمایانگر ده پادشاه فصل هفدهم مکاشفه در ایام آخر هستند.

"پادشاهان و حاکمان و والیان بر خود داغ ضد مسیح نهاده‌اند و چون آن اژدها تصویر شده‌اند که می‌رود تا با مقدسان، با آنان که احکام خدا را حفظ می‌کنند و ایمان عیسی را دارند، جنگ کند." شهادت‌ها برای روحانیان، ۳۸.

آیه نخست اشعیا ۲۷ آغاز دآوری اژدها را مشخص می‌کند؛ دآوری‌ای که در روز باد شرقی، در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد. دآوری پادشاهان زمین و شرکای بازرگان جهانی‌گرای آنان زمانی محقق می‌شود که ساختار مالی زمین به دست «باد شرقی»، در میان «دریاها» نابود شود.

زیرا اینک پادشاهان گرد آمدند، با هم عبور کردند. آن را دیدند و شگفت‌زده شدند؛ پریشان شدند و شتابان گریختند. ترس در همان‌جا بر آنان چیره شد، و دردی همچون درد زن زائو. تو کشتی‌های ترشیش را با باد شرقی می‌شکنی. مزمور 48:4-7.

اشعیا باب بیست‌وهفتم، آیات یک تا هفت، در آیات هشت تا سیزده تکرار و بسط داده می‌شود. در آن مشخص می‌شود که در «روز باد شرقی» پادشاهان و بازرگانان زمین با ترس روبه‌رو خواهند شد و ترس آنان از آن نقطه به بعد در طول تاریخ تشدید می‌شود. این ترس، تحرکات غیرمنطقی و شتاب‌زده جهانی‌گرایان پیشرو کره زمین را از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به این سو نشان می‌دهد، زیرا آنان دستورکار خود را فراتر و تهاجمی‌تر از آنچه به‌طور منطقی انتظار می‌رود پیش برده‌اند. شیطان و نمایندگان او، یعنی پادشاهان و بازرگانان زمین (جهانی‌گرایان)، که نمادهای اژدها هستند، می‌دانند که زمانشان کوتاه است.

پس شاد باشید، ای آسمان‌ها و ای کسانی که در آن‌ها ساکنید. وای بر ساکنان زمین و دریا! زیرا ابلیس با خشم عظیم نزد شما فرود آمده است، چون می‌داند که زمانی اندک دارد. مکاشفه ۱۲:۱۲.

روز باد شرقی که بحران اقتصادی سال ۲۰۰۱ را پدید آورد، بحرانی که صرف‌نظر از آنچه رسانه‌های جهانی‌گرا می‌کوشند ادعا کنند فقط بدتر شده است، همان مسئله‌ای است که جهان در هنگامی که اژدها می‌داند زمان اندکی دارد با آن روبه‌رو است. سپس او تحرکات خود را برای کنترل سراسر زمین تشدید می‌کند و این را هنگامی انجام می‌دهد که «وای» (سومین وای) بر «ساکنان زمین و دریا» نازل می‌شود.

ظهور اسلام «وای سوم» (باد شرقی) در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، فاجعه‌ای اقتصادی پدید آورد که جهانی‌گرایان را واداشت تا تلاش‌های خود را برای تحمیل یک حکومت واحد جهانی بر سیاره زمین شتاب دهند. با این حال، اسلام همچنان به ایفای نقش خود ادامه می‌دهد. شاید جدی‌ترین مکاشفه اسلام به‌عنوان نمادی از پیشگویی کتاب مقدس در نخستین اشاره به اسلام یافت می‌شود.

و فرشته خداوند به او گفت: اینک آستن هستی و پسری خواهی زایید و نام او را اسماعیل خواهی نهاد؛ زیرا خداوند رنج تو را شنیده است. و او مردی وحشی خواهد بود؛ دستش بر ضد همه خواهد بود و دست همه بر ضد او؛ و در برابر همه برادران خود ساکن خواهد شد. پیدایش ۱۶:۱۲، ۱۳.

کلام خدا هرگز باطل نمی‌شود. در حالی که اسلام همچون زنی در درد زایمان همچنان رنج می‌آفریند، برخی که حتی ممکن است بپذیرند که اسلام در نبوت‌های کتاب مقدس معرفی شده است، هنوز حقیقت آشکار آن دو آیه را دریافته‌اند. برخی شاید دریابند که این اسلام است که همه انسان‌های کره زمین را برای مقابله با دشمنی مشترک گرد هم می‌آورد، و این البته درست است. با این حال، عبارت پایانی آیه حقیقتی جدی‌تر است. جهان با ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تکان خورد، و به‌تازگی نیز با حمله ۷ اکتبر امسال حماس علیه اسرائیل بار دیگر لرزید. اما هیچ‌کس حاضر نیست ببیند که روح جنگ و ویرانی ناگهانی «در حضور همه» برادران اسماعیل است.

اگر حمله غافلگیرانه‌ای از سوی کشورهای اسلامی چون عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر، کویت، برونی و بحرین انجام شود، چه نوع ویرانی‌ای صورت خواهد گرفت؟ روح اسماعیل در «همه برادرانش» است، و جنگی که تا کنون با «وای سوم» از سوی کشورهای چو افغانستان یا عراق پدید آمده، وقتی که نبوت اسماعیل به‌طور کامل تحقق یابد، کاملاً متفاوت خواهد بود. پاکستان چند بمب هسته‌ای دارد؟

ویژگی پیشگوییانه جنگ‌ورزی اسلامی، همان‌گونه که در نخستین و دومین «وای اسلامی» نشان داده شده، حملات ناگهانی و غافلگیرانه است. آیا در کشورهای اسلامی ثروتمند منابع مالی کافی وجود دارد تا به‌طور پنهانی تسلیحاتی را تأمین یا تولید کنند که پیچیده‌تر و مرگبارتر از هواپیماهای جت پراز سوخت، خودروهای بمب‌گذاری شده، لاستیک‌های در حال سوختن، تجاوز و چاقو باشند؟ آیا باید کلام خدا را باور کرد؟

همه گوه‌رهای رؤیای میلر در روزهای آخر به حقایق امتحانی بدل می‌شوند؛ حتی اگر فقط به این معنا باشد که آن حقایق رد شده‌اند و نبوت نشان می‌دهد که احیا خواهند شد. اما برخی از آن گوه‌رها، مانند خدمت مسیح در قدس آسمانی و اسلام وای سوم، به پیشگویی‌هایی اشاره می‌کنند که تنها در آخرین ایام تحقق می‌یابند. یکی نمایانگر خدمت مسیح در قدس‌الاقداص است، که بی‌شک حقیقت امتحانی حاضر است، و دیگری پیام فریاد نیمه‌شب را مشخص می‌کند که آن نیز حقیقت امتحانی حاضر است.

رشته‌ای که جنبش میلری و زمان پایان در ۱۹۸۹ را، که خود به نوبه خود جنبش یکصد و چهل و چهار هزار نفر را معرفی می‌کند، به هم می‌بافد، «هفت زمان» است؛ نخستین گوه‌ر میلر، و نخستین آموزه‌ای که هنگامی که ادونتیسم راه‌های کهن را ترک کرد کنار گذاشته شد. یکصد و بیست و شش سال از شورش ۱۸۶۳ تا زمان پایان در ۱۹۸۹، نمایانگر «هفت زمان» است. عدد دوهزار و پانصد و بیست به دو دوره هزار و دویست و شصت تقسیم شد، و یک‌دهم یا عشر هزار و دویست و شصت، یکصد و بیست و شش است. سنگی که بناها رد کردند آن قدر امتداد دارد که نخستین و آخرین جنبش‌های سه فرشته را به هم پیوند می‌دهد. بدین‌سان روشن می‌شود که حقیقت «هفت زمان» نیز حقیقتی آزمون‌گر کنونی است، و اینکه همان حقیقتی است که دیگر صرفاً سنگ بنیاد نیست، بلکه

سنگ زاویه می‌شود.

اکنون بررسی خود را درباره افزایش دانش در جنبش میلری، که در کتاب دانیال با رؤیای رود اولای به تصویر کشیده شده است، کنار می‌گذاریم و توجه خود را به رؤیای رود هدکل معطوف می‌کنیم؛ رؤیایی که نمایانگر افزایش دانش در جنبش یکصد و چهل و چهار هزار است.

سپس با بررسی چهار نسل ادونتیسیم که صد و بیست و شش سال از 1863 تا 1989 را در بر می‌گیرند، آغاز خواهیم کرد.

ما آن مطالعه را در مقاله بعدی آغاز خواهیم کرد.

و چنین شد که در سال ششم، در ماه ششم، در پنجمین روز ماه، هنگامی که در خانه‌ام نشسته بودم و مشایخ یهودا در برابرم نشسته بودند، دست خداوند خدا در آنجا بر من فرود آمد. آنگاه نگرستم، و اینک، پیکری به هیئت آتش: از کمرش به پایین، آتش؛ و از کمرش به بالا، همچون درخشندگی، به رنگ کهربا. و هیأتی چون دست پیش آورد و مرا از گیسوی سرم گرفت؛ و روح مرا میان زمین و آسمان بلند کرد و در رؤیاهای خدا مرا به اورشلیم برد، به در دروازه داخلی که رو به شمال است؛ جایی که جایگاه تمثال غیرت بود، آن که حسد را برمی‌انگیزد. و اینک، جلال خدای اسرائیل در آنجا بود، مطابق رؤیایی که در دشت دیده بودم. آنگاه به من گفت: ای پسر انسان، اکنون چشمانت را به سوی شمال برافراز. پس چشمانم را به سوی شمال بلند کردم، و اینک، در شمال، نزد دروازه مذبح، این تمثال غیرت در مدخل بود. و باز به من گفت: ای پسر انسان، آیا می‌بینی چه می‌کنند؟ این اعمال نفرت‌انگیز بزرگی را که خاندان اسرائیل در اینجا مرتکب می‌شوند تا من از مقدسم دور شوم؟ اما باز برگرد، که امور نفرت‌انگیز بزرگ‌تری خواهی دید. و مرا به در صحن آورد؛ و چون نگرستم، اینک سوراخی در دیوار بود.

آنگاه به من گفت: ای پسر انسان، اکنون در دیوار نقب بزن؛ و چون در دیوار نقب زدم، اینک دری بود. و به من گفت: داخل شو و بین رجاسات شرارت را که در اینجا می‌کنند. پس داخل شدم و دیدم؛ و اینک هر گونه خزندگان و جانوران مکروه، و همه بت‌های خاندان اسرائیل، بر دیوار گرداگرد نگاشته بود. و در برابر آنها هفتاد مرد از مشایخ خاندان اسرائیل ایستاده بودند، و در میان ایشان یاعزنیای پسر شافان ایستاده بود، و هر مردی مجمره خود را در دست داشت؛ و ابری غلیظ از بخور بالا می‌رفت. آنگاه به من گفت: ای پسر انسان، آیا دیدی مشایخ خاندان اسرائیل در تاریکی چه می‌کنند، هر کس در حجره‌های تصاویر خود؟ زیرا می‌گویند: خداوند ما را نمی‌بیند؛ خداوند زمین را ترک کرده است. باز هم به من گفت: باز برگرد، و رجاسات بزرگ‌تری را که می‌کنند خواهی دید. آنگاه مرا به در دروازه خانه خداوند که رو به شمال بود آورد؛ و اینک زنانی آنجا نشسته بودند و برای تموز می‌گریستند. آنگاه به من گفت: آیا این را دیدی، ای پسر انسان؟ باز هم رو بگردان، و رجاسات بزرگ‌تر از اینها خواهی دید. و مرا به صحن درونی خانه خداوند آورد، و اینک نزد در هیکل خداوند، میان ایوان و مذبح، قریب بیست و پنج مرد بودند، پشتشان به سوی هیکل خداوند و رویشان به سوی مشرق؛ و رو به مشرق خورشید را سجده می‌کردند. آنگاه به من گفت: آیا این را دیدی، ای پسر انسان؟ آیا برای خانه یهودا امر کوچکی است که این رجاسات را که در اینجا به جا می‌آورند مرتکب شوند؟ زیرا زمین را از ظلم پر ساخته‌اند، و بازگشته‌اند تا مرا به خشم آورند؛ و اینک شاخه را به بینی خود می‌گذارند. از این رو من نیز به خشم رفتار خواهم کرد؛ چشمم ابدا نخواهد نمود و ترحم نخواهم کرد؛ و اگر با آوازی بلند در گوش من فریاد کنند، باز ایشان را نخواهم شنید. حزقیال ۸: ۱۸.